

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ادبی-فرهنگی

یونس نگاه

۱۶ جون ۲۰۲۲



یونس نگاه

نوشتن و آموختن

شما را نمی‌دانم ولی من بدون خواندن و آموختن، نوشته نمی‌توانم. بهترین منبع آموختن محیط است. مؤثرترین روش تماس با محیط، همان تماس فیزیکی و حضوری است. هر وقت در شهری زندگی کنیم، در اداره و بازارش با مردم سروکار داشته باشیم، نوشتن از آن شهر آسان می‌شود و هرچه در توان داشته باشی می‌توانی مضمون بیایی و بی‌وقفه سخن بجا بگویی و متن مرتبط به اوضاع نوشته کنی. راه دوم تماس ذهنی و خبری است. اگر از محیطی دور باشیم با پی‌گیری اخبار، دیدار با مسافران تازه آمده از آن محیط، زنگ زدن و احوال‌گیری، قصه و چت می‌توانیم مواد برای فکر کردن و بعد نوشتن پیدا کنیم. این کار به خصوص برای کسانی که تجربه دست اول و طولانی از محیط موردنظر دارند و دوری طولانی را تجربه نکرده‌اند، بیشتر مفید است.

بخش دیگر، نوشتن از کلیات و انتزاع‌هاست. آن بخش را با خواندن کتاب می‌توان پکه کرد. آدم قلم به دست باید بیدار باشد، دایم جست و جو کند، بخواند، بشنود، بگردد و بیاموزد. من کتاب کم می‌خوانم اما گزارش و خبر و پست‌های فیسبوکی بسیار می‌خوانم. برخی نوشته‌ها را در کمپیوتر ذخیره می‌کنم. فولدرهایی دارم که به اسم افراد است. فولدرهایی است که بر اساس موضوع دسته‌بندی شده‌اند. یگان نوشته را در صفحه ورد کاپی کرده چند بار می‌خوانم، نکات برجسته‌اش را نشانی می‌کنم و اگر به یکی از موضوعات مورد نیاز من ارتباط داشت به آن بخش برده ذخیره می‌کنم. خلاف آنانی که می‌گویند فرصتی برای خواندن نداریم، من برای خواندن متن خوب بسیار وقت دارم. به شنیدن سخنان آدم‌های زنده و بیداری که در متن بخشی از اجتماع حضور فعال دارند، علاقه مند. او می‌تواند دکاندار، نجار، معلم یا سیاست‌مدار باشد.

اگر یک هفته چیزی نخوانید و کسی را نبینید ولی بنویسید، متوجه خواهید شد که بی‌مضمون شده اید، سخنان بی‌ربط می‌گوئید و قلم‌تان راه نمی‌رود. دیدن/شنیدن/خواندن مثل زمین است و نوشتن مثل نهال. زمین هرچه کلان‌تر باشد نهال‌های بیشتر می‌توانید بشانید. زمین هرچه بارورتر باشد، نهال‌های پرثمرتر می‌توانید پرورش دهید. "هموتو" نیست؟